

Explicating Mullā Ahmad Narāqī's Approach to Moral Education and Its Comparison with the Approach to Moral Education in the Upstream Documents of the Educational System

Asieh Naraghi¹, Susan Keshavarz², Alireza Mahmudnia³

¹ Master of Arts, Department of Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran (**Corresponding author**).
Asieh.naraghi@gmail.com

² Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. ss.keshavarz@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. alirezamahmudnia@yahoo.com

Abstract

The aim of this research is to explicate Mullā Ahmad Narāqī's approach to moral education and to compare it with the approach to moral education outlined in the upstream documents of the educational system. To this end, George Brady's comparative qualitative method was employed, which identifies the degree of attention given to moral education components and reveals similarities or differences between the two approaches. Accordingly, this study can contribute to the improvement of educational approaches in the country's schooling system. The findings indicate that both Narāqī's thought and the upstream documents consistently emphasize the importance of moral education and its impact on all aspects of human life. However, Narāqī's approach places greater focus on the individual dimension of moral education. His stress on habit formation and suggestion in the early stages of moral training is among the essential points he considered, which makes his approach a direct model of moral education and closer to the character education approach. In contrast, the approach to moral education in the upstream documents of the educational system can be regarded as an integration of several approaches, including the inculcation of values, value analysis, the indirect or implicit approach, and character education.

Keywords: Mullā Ahmad Narāqī, Upstream Documents, Education System, Moral Education.

Received: 2025/05/02 ; **Revised:** 2025/06/14 ; **Accepted:** 2025/08/04 ; **Published online:** 2025/10/02

Cite this article: Naraghi, A., Keshavarz, S. & Mahmudnia, A. (2025). Explicating Mullā Ahmad Narāqī's Approach to Moral Education and Its Comparison with the Approach to Moral Education in the Upstream Documents of the Educational System. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 6(3), p. 57-74.
<https://doi.org/10.48310/RIET.2025.19889.1460>

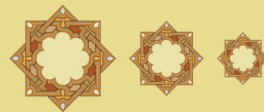
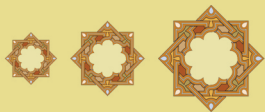
Publisher: Farhangian University

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights





تبیین رویکرد تربیت اخلاقی ملا احمد نراقی و مقایسه آن با رویکرد تربیت اخلاقی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش

آسیه نراقی^۱، سوسن کشاورز^۲، علیرضا محمودنیا^۳

^۱ کارشناسی ارشد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران،

ایران (نویسنده مسئول). Asieh.naraghi@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

ss.keshavarz@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

alirezamahmudnia@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش تبیین رویکرد تربیت اخلاقی ملا احمد نراقی و مقایسه آن با رویکرد تربیت اخلاقی مورد نظر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش بوده است. در این راستا، از روش تحقیق کیفی مقایسه تطبیقی جرج بردی بهره گرفته شده که به شناسایی و میزان توجه به مؤلفه تربیت اخلاقی و دریافت وجه شباهت یا اختلاف بین این دو رویکرد می‌پردازد. بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند به بهبود رویکردهای تربیتی در سیستم آموزشی کشور کمک کند. یافته‌ها مبین این مطلب است که همواره تأکید بر اهمیت تربیت اخلاقی و تأثیر آن بر همه جنبه‌های زندگی انسان، میان اندیشه‌های ملا احمد نراقی و دیدگاه اسناد بالادستی آموزش و پرورش وجود داشته است. اما، در رویکرد ملا احمد نراقی توجه به جنبه‌های فردی در تربیت اخلاقی پررنگ‌تر بوده است. همچنین تأکید بر عادت و تلقین در مراحل ابتدایی تربیت از جمله نکات اساسی مورد نظر ایشان است، بدین لحاظ رویکرد ایشان رویکردی مستقیم به تربیت اخلاقی بوده و به رویکرد تربیت‌منش نزدیک است. در حالی که رویکرد تربیت اخلاقی مورد نظر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش را می‌توان تلفیقی از چند رویکرد تبیین ارزش‌ها، رویکرد تحلیل ارزش‌ها، رویکرد غیرمستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی و رویکرد تربیت‌منش دانست.

کلیدواژه‌ها: ملا احمد نراقی، اسناد بالادستی، آموزش و پرورش، تربیت اخلاقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰
استناد به این مقاله: نراقی، آسیه؛ کشاورز، سوسن؛ محمودنیا، علیرضا (۱۴۰۴). تبیین رویکرد تربیت اخلاقی ملا احمد نراقی و مقایسه آن با رویکرد تربیت اخلاقی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۳(۶)، ص ۵۷-۷۴.

<https://doi.org/10.48310/RIET.2025.19889.1460>

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

©۱۴۰۴/نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

جریان تعلیم و تربیت رسمی آموزش و پرورش از طریق ساختارهای رسمی، از اساسی ترین و هدفمندترین انواع تربیت انسان به شمار می آید. این نوع آموزش، نقشی عمیق و گسترده در رشد جنبه های مختلف وجودی انسان از جمله بُعد جسمانی، عقلانی، معنوی و اخلاقی دارد و در فرآیند رسیدن انسان به کمال، نقشی حیاتی ایفا می کند (کشاورز، ۱۳۸۷). از آغاز تمدن بشری، زندگی انسان با مجموعه ای از بایدها و نبایدها همراه بوده است. این قواعد و دستورات که از منابع متنوعی سرچشمه گرفته اند، در قالب سنت ها، آیین ها، قوانین و آداب اجتماعی، همواره در جامعه بشری نقش آفرینی کرده اند. منشأ این قوانین می تواند ریشه در مفاهیم مادی، معنوی، آداب کهن، یا حتی احساساتی چون ترس و امید داشته باشد. اخلاق، به دلیل اهمیت در شکل گیری شخصیت فرد و سامان دهی جامعه، همواره توجه متفکران، مربیان و رهبران ادیان الهی را به خود جلب کرده است. ادیانی چون اسلام، یهودیت و مسیحیت، بخش بزرگی از تعالیم خود را به موضوع اخلاق اختصاص داده اند. تجربه نشان داده حتی جوامع و افراد فاقد گرایش دینی نیز از تربیت اخلاقی بی نیاز نبوده اند (داوودی، ۱۳۸۵). در اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران از جمله «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند برنامه درسی ملی»، تربیت اخلاقی به عنوان یکی از ارکان مهم فرآیند تربیت معرفی شده است. افزون بر این، فرهنگ غنی ایرانی و آثار فاخر ادبی، سرشار از مضامین اخلاقی است که آثار ملاحمد نراقی یکی از شاخص ترین نمونه ها به شمار می آید. ملاحمد نراقی، یکی از علمای برجسته سده سیزدهم هجری، آثار فراوانی در حوزه های اخلاق، عرفان، فقه و تربیت دارد. کتاب معروف او، «معراج السعاده» که خلاصه ای از اثر پدرش «جامع السعادات» است، از جمله متون اصلی اخلاق اسلامی محسوب می شود. همچنین، آثار دیگری همچون «طاق‌دیس» و «دیوان صفایی نراقی» نیز حاوی مطالب ارزنده ای در زمینه اخلاق و تربیت عرفانی اند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۱). تربیت اخلاقی از مهم ترین رسالت های نظام های آموزشی است و در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران جایگاهی محوری دارد. این اسناد، با تأکید بر ارزش های اسلامی و ملی، افق روشنی برای پرورش نسل متعهد و مسئول ترسیم کرده اند. در عین حال، میراث اخلاقی اندیشمندان مسلمانی همچون ملاحمد نراقی در «معراج السعاده» نیز الگویی منسجم از مبانی، اهداف و شیوه های تربیت اخلاقی ارائه می دهد که از انسجام نظری و عمق معنوی برخوردار است. با وجود این، هریک از این دو رویکرد، کاستی ها و قوت های خاص خود را دارند. اسناد بالادستی در عرصه عملیاتی سازی و اجرا با چالش هایی روبه رو هستند، و اندیشه نراقی نیز نیازمند بازخوانی و تطبیق با شرایط آموزشی روز است. از این رو، مقایسه تطبیقی میان آن دو، نه برای برتری دادن یکی بر دیگری، بلکه برای نشان دادن ظرفیت های مکمل آنها

ضرورت دارد. چنین مطالعه‌ای می‌تواند روشن سازد که چگونه پیوند دادن چارچوب نظری و اخلاقی نراقی با سیاست‌ها و راهبردهای اسناد بالادستی، امکان تقویت تربیت اخلاقی در نظام آموزش رسمی کشور را فراهم می‌سازد. به همین دلیل، بررسی و تحلیل رویکرد اخلاقی نراقی، مقایسه آن با اسناد تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور و استخراج نقاط افتراق و اشتراک آنها، می‌تواند به بهبود فرآیندهای تربیتی منجر شود.

۲. مبانی نظری

در اینجا لازم است برای آشنایی عمیق‌تر با موضوع، نگاهی اجمالی به رویکردهای مطرح در تربیت اخلاقی داشته باشیم. این رویکردها به ترتیب براساس اهمیتی که به اخلاق و ارزش‌ها می‌دهند، متفاوت هستند. از این رو، برای انتخاب بهترین رویکرد تربیت اخلاقی، نیاز است که با هریک از این رویکردها آشنا شویم و مزایا و معایب آنها را مورد کاوش قرار دهیم.

۲-۱. رویکردهای تربیت اخلاقی

برای درک بهتر مباحث تربیت اخلاقی، آشنایی با رویکردهای موجود در این حوزه ضروری است. این رویکردها، برحسب میزان تمرکز بر مفاهیم اخلاقی و ارزش‌ها، در دسته‌های متعددی جای می‌گیرند. برخی از مهم‌ترین این رویکردها به شرح زیر هستند:

رویکرد شناختی و منش محور مدل هفت‌گانه بولوتین و افرون^۱ که شامل آموزش منش، میراث فرهنگی، جامعه عادلانه، جامعه مراقب، همزیستی، تحقیق اخلاقی و اقدام اجتماعی است. سجادی (بی‌تا) ده رویکرد پیشنهادی برای تربیت اخلاقی ارائه کرده است که شامل رویکرد ضمنی یا تلویحی، که ارزش‌ها به صورت غیرمستقیم آموزش داده می‌شوند، رویکرد شناخت‌گرایانه مبتنی بر دیدگاه‌هایی مانند پیازه و نوکانتیان، اخلاق مراقبتی، پیامدگرایی اخلاقی، دیدگاه الهیاتی، یادگیری از طریق مشاهده، تقلید و تقویت، و نیز رویکردهای مناسب در فضای معاصر می‌باشد. این رویکردها به طور هم‌افزا می‌توانند زمینه‌ساز توسعه مهارت‌های اخلاقی و شناختی دانش‌آموزان شوند. دو دسته‌بندی دیگر نیز رایج است:

(۱) رویکرد مبتنی بر فلسفه که از دل اندیشه‌های فلسفه اسلامی، اصول تربیتی استخراج می‌کند.

(۲) رویکرد مبتنی بر متون دینی که براساس قرآن و سنت، ساختارهای تربیتی را پیشنهاد می‌دهد. سبحانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) معتقدند، علی‌رغم تفاوت‌های اساسی میان کانت و نراقی، هر دو به عقلانیت، اراده آزاد و اخلاق فردی تأکید دارند. طالبی و همکاران (۱۳۹۶) نیز اذعان دارند که چالش اصلی آموزش و پرورش، تغییر بنیادین سیستم فعلی به ساختاری مؤثر و هدفمند است. بدین ترتیب،

مشخص می‌شود که رویکردهای مطرح در تربیت اخلاقی، همگی در یک سطح قرار ندارند و می‌توان آنها را در چند سطح قرار داد (جدول ۱).

جدول ۱- رویکردهای مطرح در تربیت اخلاقی

رویکردهای فلسفی	رویکردهای دینی	رویکردهای روان‌شناختی	رویکردهای تربیتی
- رویکرد فلسفی اسلامی - اخلاق پیامدگرا، اخلاق علمی، اخلاق الهیاتی - اخلاق فضیلت‌محور - اخلاق اصل و قاعده‌محور (که اخلاق عدالت و اخلاق مراقبت و اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و اخلاق نقد اجتماعی را دربرمی‌گیرد)	رویکرد متنی	- رویکرد شناختی (تأکید بر جنبه‌های ذهنی و عقلی) - رویکرد یادگیری اجتماعی (تأکید بر تأثیر عوامل اجتماعی در یادگیری) - رویکرد روان تحلیلی (تأکید بر تأثیر امور ناخودآگاه بر رفتار انسان)	- رویکرد پرورش توانایی شناخت و فهم و استدلال اخلاقی (که رویکرد ضمنی یا تلویحی، رویکرد تبیین ارزش‌ها، رویکرد بینش، و رویکرد تحقیقات اخلاقی را شامل می‌شود) - رویکرد پرورش منش (صفت‌ها و عادت‌های رفتاری اخلاقی که رویکرد عمل اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد) - رویکرد ترکیبی (که رویکرد جامعه عادل و جامعه مراقب را شامل می‌شود) - رویکرد طبیعی، طبی

رویکردهای فلسفی اسلامی، اخلاق علمی، اخلاق الهیاتی، اخلاق فضیلت‌محور و اخلاق اصل‌محور، رویکردهای اصلی فلسفی هستند. رویکرد اخلاق عدالت، اخلاق مراقبت، اخلاق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و اخلاق نقد اجتماعی، از مصادیق رویکرد اصل‌محور می‌باشند. در رویکردهای روان‌شناختی نیز سه رویکرد اصلی، رویکرد شناختی، رویکرد یادگیری اجتماعی و رویکرد روان‌کاوی وجود دارد.

۳. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش پرداخته‌اند. شیرانی قلعه‌تکی (۱۴۰۳) در پژوهشی ساحت‌های اخلاقی و عبادی در سند تحول بنیادین را محور اصلی تربیت معرفی کرده و نقش مؤثر نماز را در دستیابی به حیات طیبه نشان داده است. انگیز (۱۴۰۲) نیز در پژوهشی بر اهمیت تربیت اخلاقی به عنوان رکن بنیادین نظام آموزش تأکید کرده و به چالش‌ها و موانع اجرای آن توجه نموده است. همچنین علوی اصیل و همکاران (۱۴۰۳)، نیز در مطالعه‌ای کیفی- تحلیلی جایگاه تربیت اخلاقی در سند تحول بنیادین را بررسی کرده و کاستی‌های فعلی در نظام آموزشی رسمی کشور را معرفی نموده‌اند. با توجه به تحقیقات پیشین می‌توان گفت، اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین، ظرفیت مفهومی و راهبردی مهمی برای تربیت اخلاقی دارند؛ اما چالش‌هایی نظیر خلأ عملیاتی‌سازی، فاصله میان نظریه و اجرا و محدودیت‌های محیط آموزشی، موجب

کاهش اثربخشی این اسناد شده است. از سوی دیگر، اندیشه تربیتی ملااحمد نراقی نیز در منابع شناخته شده‌ای مانند مقاله «درآمدی بر اصول تربیت اخلاقی از منظر ملااحمد نراقی» (نصرتی هشی و همکاران، ۱۳۹۳)، چارچوبی منسجم و اخلاق‌محور ارائه می‌دهد که شامل اصولی نظیر خودشناسی، اعتدال، تزکیه بر تعلیم، توجه به تفاوت‌های فردی و نظارت مستمر است. کریم‌نژاد (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «نقش تربیتی محبت از نگاه ملااحمد نراقی و هاتریش پستالوزی»، بیان می‌کند که سعادت حقیقی این است که انسان از نظر اخلاق فاضله و ملکات راسخ و اعمال و رفتارش به مقامی از معنویت و کمال برسد که هیچ عاملی نتواند ظاهر یا باطنش را تغییر دهد. با وجود این، آنچه میان منابع پیشین کمتر دیده شده، بررسی و تطبیق دوگانه و تکمیلی میان اندیشه نراقی و اسناد بالادستی آموزش و پرورش است. پژوهش حاضر با تأکید بر پیوند متقابل میان مبانی اخلاقی نراقی و سیاست‌های تربیتی رسمی، می‌تواند خلأ عملیاتی و نظری موجود را پر کرده و راهکارهایی واقعی برای غنابخشی به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی رسمی ارائه دهد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و یک پژوهش کیفی محسوب می‌شود که با روش توصیفی-تحلیلی (تحلیل اسنادی) و به کمک الگوی جرج بردی^۱ (۱۹۶۴) انجام شده است. در این روش، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، فقط به مطالعه شواهد می‌پردازد و به دنبال بررسی علت و معلولی نیست. در این نوع تحقیقات، محقق مداخله‌ای در موقعیت و شرایط تحقیق نمی‌کند و بدون تحمیل مقوله یا نظریه‌های از پیش تعیین‌شده، فقط به مشاهده شرایط و گزارش آنها مبادرت می‌کند. این روش از منظر دیگر جزو مطالعات تطبیقی (مقایسه‌ای)^۲ محسوب می‌شود. مطالعات تطبیقی یا هم‌سنجشی، یک روش تحقیق کیفی است که به منظور دریافت وجوه شباهت یا اختلاف بین دو پدیده می‌باشد. به بیان ساده، مطالعات تطبیقی عملی برای مقایسه دو یا چند چیز باهدف کشف چیزی درباره یک یا همه چیزهایی است که با هم مقایسه می‌شوند. این روش، اغلب در یک مطالعه از چندین رشته استفاده می‌کند. به بیانی دیگر، این گروه از پژوهش‌ها، از نوع مطالعات میان‌رشته‌ای می‌باشند. سه پیش‌شرط مطالعه تطبیقی عبارتند از (منفرد، ۱۳۹۴): ۱- تفاوت بنیادین دو نظام در مبانی؛ ۲- یافتن زبان مشترک مفهومی؛ ۳- تحلیل هدف‌ها، مبادی و غایات هر دیدگاه.

1. Beredy

2. Comparative Method

۴-۱. فرآیند تحلیل اطلاعات

از آنجا که تحقیق حاضر به روش کیفی انجام شده و فاقد جنبه‌های آماری است؛ محقق از طریق نشانه‌یابی، تفسیر، تجرید، تشخیص، تفاوت، تمایز، مقایسه و... که جملگی به کمک تفکر، تعقل و منطق و اندیشه صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

۴-۲. سؤالات تحقیق

- رویکرد ملا احمد نراقی در تربیت اخلاقی چیست؟
- رویکرد اسناد بالادستی آموزش و پرورش در تربیت اخلاقی چیست؟
- رویکرد ملا احمد نراقی و رویکرد اسناد بالادستی آموزش و پرورش در تربیت اخلاقی، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

۵. یافته‌های پژوهش

مبتنی بر روش تحقیق تحلیل تطبیقی، دستیابی به یافته‌های پژوهش در چند مرحله توصیف، هم‌جواری و مقایسه جهت شناسایی شباهت‌ها و افتراقات انجام شده است.

۵-۱. مرحله اول: توصیف

۵-۱-۱. تبیین رویکرد ملا احمد نراقی در تربیت اخلاقی

برای شناسایی رویکرد ملا احمد نراقی در امر تربیت اخلاقی، نیازمند آشنایی با اهداف و اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه ایشان هستیم. در اینجا به شکل اجمالی، رویکرد ایشان تبیین گردیده است.

الف) اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه ملا احمد نراقی

ملا احمد نراقی برای فرآیند تعلیم و تربیت، اهدافی سلسله‌وار و طولی در نظر می‌گیرد که در رأس آن، رسیدن به خیر مطلق و سعادت ابدی قرار دارد. وی بر این باور است که هدف نهایی آموزش، تنها باید قرب الهی و دستیابی به کمال حقیقی انسانی باشد؛ نه دستیابی به مناصب دنیوی، جاه‌طلبی یا فخر فروشی بر دیگران. چنانکه می‌گوید: «طلب علم باید تنها برای نزدیکی به پروردگار، رسیدن به سعادت بی‌پایان، و ورود به مرتبه انسانی واقعی باشد؛ نه برای جدال، مقام، ثروت یا برتری بر دیگران» (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲). از دیدگاه وی، تعلیم و تربیت زمانی ارزشمند است که انسان را به سوی خدا هدایت کند و به کمال و رستگاری واقعی رهنمون شود (نراقی، ۱۳۸۸). تربیت اخلاقی در اندیشه نراقی، جایگاه برجسته‌ای دارد و با مفاهیمی چون تزکیه، تهذیب نفس، و حکمت دینی در متون اسلامی همراه شده است. این مفاهیم که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارند، به روشنی در نظام فکری نراقی حضور دارند. او با انتقاد از

کسانی که تنها به مباحث نظری و مجادلات علمی می‌پردازند و از تهذیب درونی و رهایی از صفات ناپسند غافل مانده‌اند، می‌گویند: کسانی که دل‌هایشان هنوز در بند دنیا و نفس حیوانی است، از حقیقت علم بی‌بهره‌اند. از نظر نراقی، علم اصیل با نور، صفا و سرور همراه است و تنها دلی که از صفات رذیله پاک شده باشد، می‌تواند پذیرای این نور شود. به اعتقاد او، بدون پالایش درون و تصفیه قلب، عبادات ظاهری بی‌ثمر است و طاعات بدنی فایده‌ای نخواهند داشت؛ چراکه آراستن ظاهر بدون اصلاح باطن، بی‌نتیجه خواهد بود (نراقی، ۱۳۸۸).

ب) اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه ملا احمد نراقی

یکی از مهم‌ترین اصولی که نراقی در تربیت اخلاقی بر آن تأکید دارد، اصل کرامت ذاتی انسان است. او انسان را موجودی دارای روح الهی می‌داند که همین بُعد روحانی سبب شرافت و برتری او نسبت به دیگر مخلوقات شده است. در نگاه نراقی، کرامت انسان برخاسته از همان روح الهی است که خداوند در وجود او دمیده و به واسطه آن، انسان را گرمی خوانده است. نراقی بر اصل فردیت و شایسته‌گزینی نیز تأکید دارد. به عقیده او، نباید افراد را به کاری که توان یا علاقه انجام آن را ندارند، وادار ساخت؛ زیرا این اجبار، موجب هدررفت عمر خواهد شد. وی معتقد است که در تربیت باید استعدادها و قابلیت‌های فردی هر شخص شناسایی شود و این فرآیند، تدریجی و متناسب با توان فرد پیش برود. ملا احمد نراقی علوم را دارای مراتب و درجات می‌داند و بر ضرورت یادگیری تدریجی آنها تأکید می‌کند. او توصیه می‌نماید که آموزش، براساس اولویت و قاعده «اهم و مهم» صورت گیرد. از نظر وی، مربیان باید در فرآیند تعلیم، سطح درک و توان یادگیری فراگیران را در نظر داشته باشند و از تدریس مطالبی که خارج از توان فهم آنان است، پرهیز کنند. نراقی، آموزش زود هنگام و فزاینده از ظرفیت شناختی افراد را ناصحیح می‌داند و تأکید دارد که اصل تدریج در ارتقای علمی و اخلاقی دانش‌آموزان رعایت شود (نراقی، ۱۳۸۸).

۵-۲. تبیین رویکرد اسناد بالادستی آموزش و پرورش

شناسایی رویکرد تربیت اخلاقی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش نیز نیازمند تبیینی از اهداف و اصول تربیت اخلاقی در محتوای این اسناد است؛ متناظر با این دیدگاه‌های تربیتی، رویکرد مورد نظر تبیین شده است.

الف) اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه اسناد بالادستی آموزش و پرورش

در سند «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی»، نقطه غایی زندگی انسان، دستیابی به مقام «قرب الی الله» معرفی شده است. بر این اساس، فراهم کردن بسترها و پیش‌نیازهای لازم برای حرکت آگاهانه انسان در این مسیر، ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌گردد. در این چارچوب، تربیت

به عنوان زیرساختی بنیادین برای تحقق این هدف والا در جامعه اسلامی محسوب می شود؛ به گونه ای که افراد از رهگذر آن، به صورت اختیاری و آگاهانه در مسیر سلوک الهی و دستیابی به مراتب مختلف «حیات طیبه» قرار می گیرند. از این رو، می توان نتیجه فرآیند تربیتی را آمادگی انسان ها برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف زندگی، با اراده و شناخت در جهت قرب الهی دانست (سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱). در همین راستا، اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تربیت را در قالب شش ساحت اساسی تقسیم بندی کرده اند که از میان آنها، «ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی» به طور مستقیم با حوزه تربیت اخلاقی در ارتباط است. خلاصه اهداف این ساحت را می توان چنین بیان کرد:

ـ **ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی:** این ساحت، بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند تربیت رسمی و عمومی محسوب می شود که هدف آن، ارتقای سطح قابل قبولی از رشد دینی و اخلاقی متربیان در راستای تحقق حیات طیبه است. در این زمینه، تمامی برنامه ها و اقدامات تربیتی به گونه ای طراحی می شوند که به پرورش ایمان، التزام آگاهانه و اختیاری به مجموعه ای از باورها، ارزش ها، اعمال عبادی و صفات اخلاقی در وجود متربیان بیانجامد. غایت نهایی این ساحت، شکل گیری و تعالی هویت دینی و اخلاقی در شخصیت دانش آموزان است؛ که خود، مقدمه ای برای زندگی مؤمنانه و هدفمند در جامعه می باشد.

ب) اصول تربیت از دیدگاه اسناد بالادستی آموزش و پرورش

یکی از اصول بنیادین تربیت که ذیل اصول عام تربیتی در اسناد کلان نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شده، اصل تربیت در ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی است. مطابق با این اصل، از آنجاکه تمامی جنبه های زندگی انسان باید در هماهنگی کامل با معیارهای اسلامی قرار گیرد و این هماهنگی باید بر پایه انتخاب آگاهانه و داوطلبانه افراد صورت پذیرد؛ این بُعد از تربیت در مقایسه با سایر ابعاد از جایگاه محوری و تقدم برخوردار است (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵). در بخش مربوط به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اصولی کلیدی مطرح شده اند که عبارتند از:

۱) **اصل تحول مستمر:** این اصل ناظر بر تغییرات دائمی و پیوسته در عملکرد و ساختار تربیتی است که هدف آن می تواند ارتقاء کارآمدی، مواجهه با چالش ها یا تضمین پویایی سازمان باشد. نمونه هایی از این اصل عبارتند از:

ـ حرکت از ظاهرگرایی به درونی سازی ارزش ها؛

ـ جایگزینی تکلیف مداری با نگاه نتیجه محور؛

ـ تغییر از ارزشیابی بیرونی به خودارزیابی فردی؛

- عبور از ارزش‌های انسانی عام به سمت ارزش‌های الهی؛

- جایگزینی اجبار برنامه‌ای با انتخاب فردی و درون‌زاد؛ تغییر از الزام بیرونی به تعهد و باور شخصی (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۰۱).

(۲) اصل توازن و تعادل: این اصل بر ایجاد هماهنگی میان جنبه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی تأکید دارد. نمودهای این اصل شامل موارد زیر است:

- ترویج نگاه نقادانه، هم به سنت و هم به مظاهر مدرنیته؛

- انعطاف در برابر تنوع فرهنگی و شرایط محیطی با حفظ اصول بنیادین؛

- تعادل میان استدلال، تبیین و عمل اخلاقی؛

- جمع میان پایداری بر اصول دینی و انعطاف نسبت به شرایط زمان و مکان (همان، ص ۳۰۱-۳۰۲).

(۳) اصل تقدّم اولویت‌ها (الأهم فالأهم): این اصل مبتنی بر این دیدگاه است که با توجه به محدودیت زمانی عمر انسان، باید مسائل مهم‌تر را در اولویت یادگیری قرار داد. از جمله موارد قابل اشاره در این زمینه عبارتند از:

- اولویت دادن به استدلال و تفکر نسبت به تعبد صرف؛

- توجه به پیشگیری به جای درمان، پرداختن به علل پیش از معلول؛

- به‌کارگیری قاعده «دفع افسد به فاسد»؛

- مقدم داشتن پاکسازی اخلاقی بر آراستن ظاهری؛

- تأکید بر کاربرد عملی دین و اخلاق در عرصه فردی و اجتماعی با توجه به مسائل روزمره مترّبی (همان، ص ۳۰۲).

همچنین، جهت‌گیری کلی تربیت اخلاقی در ساحت مورد بحث، بر چند ویژگی مهم مبتنی است که به شرح زیر خلاصه می‌شود:

فطرت‌محوری: آغاز تربیت از درک فطری مترّبان نسبت به پروردگار و گرایش ذاتی به معنویت.

رعایت مراتب کمال: حرکت گام‌به‌گام در پرورش تدبّر و اخلاق با توجه به سطوح مختلف اخلاقی و دینی.

جامعیت روشی: ترکیب روش موضوع‌محور در زمینه دانش دینی و روش تلفیقی در ابعاد نگرشی و رفتاری.

عقلانیت‌مداری: جایگاه ویژه عقل در فرآیند تربیت دینی، بدون حذف نقش احساس و تجربه دینی.

هم‌افزایی نهادها: تقسیم مسئولیت میان خانواده، مدرسه، رسانه و مسجد برای اثربخشی بهتر. انعطاف

و پویایی: طراحی فرایندهای تربیتی مطابق با شرایط متغیر جامعه و زمان.
فعال سازی تربی: تأکید بر نقش فعال و مشارکتی دانش آموز در فرآیند تربیت.
مسئله محوری: توجه ویژه به دغدغه ها و مسائل واقعی و روزمره زندگی متربیان.
بعد عاطفی و ولایی دین: بهره گیری از احساسات، محبت ها و تجارب شخصی برای تقویت تربیت دینی.

نگاه چندبعدی به دین داری: پرهیز از تقلیل دین داری به یک جنبه و تأکید بر تلفیق ابعاد مختلف دین.
بهره برداری از ادبیات فارسی: استفاده از ظرفیت عمیق و الهام بخش ادب پارسی در تعمیق ارزش های اخلاقی و دینی (همان، ص ۳۰۰).

در نهایت، تحلیل دیدگاه های مطرح شده در اسناد بالادستی آموزش و پرورش در زمینه فلسفه تربیت، اهداف و اصول آن، نشان می دهد که نگرش این اسناد به تربیت اخلاقی ناظر بر رویکردی ترکیبی است. این رویکرد میان روش های «تبیین ارزش ها»، «تحلیل ارزش ها»، «رویکرد غیرمستقیم» و «تربیت منش» پیوند برقرار می کند. از سوی دیگر، تأکید بر عقل و خرد انسانی ایجاب می کند که مربیان، متربیان را در مسیر شناخت و ورزی و تصمیم گیری اخلاقی همراهی کرده و شرایطی فراهم سازند تا آنان در فرآیندی مشارکتی، به درک زیبایی های اخلاقی و تحقق سبک زندگی طیب و آرمانی نائل آیند. هرچند در این اسناد بر پرورش صفات اخلاقی فردی تأکید شده، اما نگاه صرفاً فردگرایانه نفی شده و اخلاق اجتماعی نیز همزمان مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۲. مرحله دوم: همجواری

در این مرحله، با توجه به توصیف و تفسیر اندیشه ها و رویکرد ملاحمد نراقی و همچنین بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش، اطلاعات مرتبط به صورت همجواری در جدول ارائه شده اند. این شیوه به مقایسه و نمایش همزمان دیدگاه های مختلف کمک می کند تا نقاط مشترک و تفاوت های آنها روشن تر شود.

جدول ۲- رویکرد تربیت اخلاقی در دیدگاه ملاحمد نراقی و اسناد بالادستی آموزش و پرورش

ملاحمد نراقی	اسناد بالادستی
- رویکرد تربیت منش	- رویکرد تبیین ارزش ها - رویکرد تحلیل ارزش ها - رویکرد غیرمستقیم با رویکرد تلویحی و ضمنی - رویکرد تربیت منش
- رویکرد مستقیم	- تلفیقی از رویکرد مستقیم و غیرمستقیم و ضمنی

اسناد بالادستی	ملاحمد نراقی
- توجه به عرصه فردی و عرصه اجتماعی	- توجه به عرصه فردی
- تأکید بر تکرار و تمرین	- تأکید بر تکرار و تمرین
- توجه به خصوصیات فردی و جنسی متربیان، ضمن تأکید بر مشترکات میان آنها	- توجه به تفاوت‌های فردی متربیان
- تأکید بر تلفیق و ترکیب مناسب و هماهنگ تعلیم و تزکیه	- توجه به تقدم تزکیه بر تعلیم
- رعایت اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط)	- رعایت اعتدال در فرایند تربیت اخلاقی
- توجه به حفظ و ارتقای کرامت افراد در فرایند تربیت اخلاقی	- تأکید بر کرامت انسانی در امر تربیت اخلاقی
- توجه به روش عادت دادن به‌ویژه در سنین ابتدایی کودکان	- توجه به روش عادت دادن به‌ویژه در سنین ابتدایی کودکان
- توجه به الگوگیری	- توجه به الگوگیری
- تأکید بر تعامل دوسویه مربی و متربی در فرایند تربیت اخلاقی	- تأکید بر فعال بودن متربی در امر تربیت اخلاقی
- تأکید بر آگاهی و خردورزی متربی - توجه به شناخت و تحلیل و ارزیابی مسئله‌های اخلاقی - حرکت از الزام بیرونی به التزام شخصی در فرایند تربیت - تأکید متوازن و سازگار بر استفاده از روش‌های مختلف تربیت اخلاقی - تأکید متوازن بر تبیین، استدلال، حساسیت و عمل اخلاقی - اصل رعایت اولویت‌ها (الأهم فالأهم) - تقدم پیشگیری بر درمان تقدم مبارزه با علت نسبت به برخورد با معلول - تقدم پیرایش از زشتی‌های اخلاقی بر آراسته شدن نسبت به زیبایی‌ها - تقدم دفع بر رفع رذایل و عوامل مؤثر در آن - تقدم فضل بر عدل (تقدم رحمت بر غضب) - اصالت مصونیت بر محدودیت - تأکید بر کاربرد دین و اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی (با تأکید بر مسائل واقعی زندگی متربیان)	

۵-۳. مرحله سوم: شناسایی وجوه تشابه و افتراق

۵-۳-۱. وجوه اشتراک

هر دو دیدگاه بر قائل بودن انسان به عنوان نقطه مرکزی در تربیت اخلاقی اشاره دارد. تأکید بر منشأ ارادی برای اخلاقیات و تأثیر اراده آدمی در انجام کردارهای اخلاقی، پرورش قوه درک و فهم آدمی در مرحله بالای تربیت اخلاقی از موارد مهم تشابه میان این دو دیدگاه است. در اصول، همانندی‌های زیادی میان اندیشه‌های ملاحمد نراقی و دیدگاه اسناد بالادستی آموزش و پرورش وجود دارد. نخستین اشتراک آن است که هر دو دیدگاه از معیارها و آموزه‌های اسلامی و دینی سرچشمه گرفته‌اند و نگرش توحیدی و لزوم ارتباط با خدا را لازمه نخست تربیت می‌دانند. ملاحمد نراقی انسان را محور تربیت‌آموزی می‌داند و در

نگاه او، انسان پدیده‌ای است که در نهایت اتقان و حسن آفریده شده است. در اسناد بالادستی آموزش و پرورش نیز دانش‌آموز به عنوان یک انسان آزاد، هدف اصلی هر نظام آموزشی و حاصل تعلیم و تربیت مدرسه است؛ چراکه هرآنچه در نظام تعلیم و تربیت جریان دارد، هدف آن هدایت و تربیت دانش‌آموز است. پس، از این نظر دانش‌آموز محور اصلی مدرسه محسوب می‌گردد. هر دو دیدگاه به مراحل رشد انسان توجه دارند و معتقدند انسان‌ها با هم متفاوت هستند و لزوم توجه ویژه به تفاوت‌های فردی را براساس شناخت این تفاوت‌ها به مربیان یادآوری می‌کنند. هر دو دیدگاه بر تدریج و تعالی مرتبتی هم‌نظر هستند و برای آماده کردن بستری که بتواند دانش‌آموزان را به تربیت اخلاقی-اسلامی برساند تأکید می‌کنند. از نظر نراقی، آنچه که در سازماندهی محتوای دروس ضروری به نظر می‌رسد، توجه به مقتضیات سنی و نیازهای شاگردان، ارائه محتوا به صورت تدریجی و گام‌به‌گام و رعایت سلسله‌مراتب محتوایی است؛ تا این امر موجب حصول ملکه در متعلم شود؛ زیرا فکر و استعداد آدمی به تدریج از مرحله قوه به فعلیت درمی‌آید. هر دو دیدگاه بر پویایی و تلاش متری توجه داشته‌اند؛ به‌طوری که براساس اندیشه‌های ملاحمد نراقی، فراگیر باید در فرآیند یادگیری شرکت فعال کند و از حالت انفعال درآید. همان‌طور که در دیدگاه اسناد بالادستی، تمامی تلاش‌ها به دنبال ایجاد شرایطی است که در آن دانش‌آموز، نه تنها در فعالیت‌های آموزشی و درسی مشارکت فعال داشته باشد؛ بلکه در اداره مدرسه نیز مشارکت بجوید. در محتوای اسناد بالادستی، به‌ویژه در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، به تعبیری همچون «آموزش چگونه‌آموزی»، «نگاه آموزش به صورت فعال» و «روش حل مسئله» اشاره شده است، که نشان‌دهنده تأکید بر یادگیری فعال و مشارکتی در فرآیند تربیت دانش‌آموزان است. بنابراین، در چنین شرایطی دانش‌آموز، یک یادگیرنده فعال است و مسئول یادگیری خود خواهد بود.

هر دو دیدگاه بر تکرار و تمرین تأکید دارند. ملاحمد نراقی به روش حفظیات اهمیت می‌دهد و حفظ کردن مطالب و تمرین و تکرار آن را باعث ملکه مطالب در ذهن می‌داند. از آن سو، اسناد بالادستی آموزش و پرورش، انسان به منزله موجودی خردورز، آگاه، باورمند، دارای اراده است و عامل خود را منشأ اصلی عمل خویش می‌داند و نیز بر تکرار و تمرین عمل تا سطح تکوین صفات تأکید دارد. در هر دو دیدگاه، بهره‌گیری از روش عادت دادن به‌ویژه در سال‌های ابتدایی زندگی کودکان، مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه کودک از همان زمان تولد در معرض تحرکات محیطی قرار می‌گیرد و با هرچیزی که تعامل داشته باشد به آن خو خواهد گرفت و هنوز قدرت تمیز خوب از بد و زشت از زیبا را ندارد. بنابراین، ضرورت دارد مربیانی آگاه و توانمند و دلسوز با زمینه‌سازی‌های مناسب، امکان آشنایی و انجام عادت‌های خوب را برای کودکان فراهم آورند. از سوی دیگر، هر دو دیدگاه بر اعتدال تأکید ویژه‌ای دارند؛ به‌طوری که

ملاحمد نراقی اعتدال را ارزش تلقی نموده و افراط و تفریط را ناپسند می‌شمارد. اسناد بالادستی نیز به سبب آنکه فردی را که حیات طیبه دارد، انسان معتدلی می‌داند او را به دور از هرگونه افراط و تفریط برای رشد همه‌جانبه برمی‌شمرد. هر دو دیدگاه به امر الگوگیری در فرآیند تربیت اخلاقی توجه دارند و معتقدند برخی از صفات و ویژگی‌های ارزشمند اخلاقی را متریبان می‌توانند از طریق ارتباط با اسوه‌های حسنه و آشنایی با سیره تربیتی آنان اتخاذ نمایند.

۵-۳-۲. وجوه افتراق

بررسی اندیشه‌های ملاحمد نراقی مبین این نکته است که رویکرد ایشان به رویکرد تربیت‌منش نزدیک‌تر است؛ چراکه در آن بر ایجاد و پرورش چند ارزش اساسی تأکید می‌شود. در حالی‌که رویکرد تربیت اخلاقی موردنظر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش، تلفیقی از این چند رویکرد است. همچنین با استحکامی که در اندیشه‌های تربیت اخلاقی هر دو دیدگاه دیده می‌شود، به نظر می‌رسد ملاحمد نراقی بر جنبه فردی (تهذیب و تزکیه، تخلیه و تحلیه نفس و...) در تربیت اخلاقی تأکید بیشتری دارد. در دیدگاه تربیت اخلاقی وی، افراط بر جنبه فردی و تغافل از جنبه اجتماعی می‌تواند قابل نقد و بررسی باشد؛ در حالی‌که در دیدگاه اسناد بالادستی، نگاه همه‌جانبه فردی و اجتماعی موردنظر است. بر این اساس، به نظر می‌رسد آنجا که اندیشه‌های ملاحمد نراقی و دیدگاه اسناد بالادستی از هم فاصله می‌گیرد؛ مربوط به الزامات درونی و بیرونی است. ملاحمد نراقی با پیروی از سایر اندیشمندان مسلمان طبیعت انسان را متمایل به گرایش‌های خیر و شر دانسته و انسان را دارای اراده بین‌الامرین می‌داند. انسان نه دارای آزادی مطلق‌رهایی از قضاو قدر الهی و نه اسیر جبر مطلق (تأثیر عوامل خارجی و درونی) است؛ بنابراین، ملاحمد نراقی الزام درونی و بیرونی هر دو را در فرآیند تربیت اخلاقی ضروری می‌داند. در حالی‌که در دیدگاه اسناد بالادستی، حرکت از الزام بیرونی به الزام درونی صورت می‌پذیرد. در واقع، با نظر به آنکه موضوع تربیت، انسان است و مطابق با مبانی انسان‌شناختی موردنظر در اسناد بالادستی، انسان دارای دو ویژگی اساسی عقل و اراده و اختیار است؛ مربیان باید در فرآیند تربیت اخلاقی، زمینه‌سازی‌های لازم را انجام دهند تا متریبان، خودشان با انگیزه درونی و با آگاهی و درخواست خودشان، در مسیر ارزش‌های اخلاقی حرکت کنند و به جای آنکه در این فرآیند آغاز حرکت از بالا به پایین باشد؛ بالعکس، حرکت از پایین یعنی از سوی متربی صورت گیرد. به همین دلیل مبتنی بر رویکرد تلفیقی موردنظر در محتوای اسناد بالادستی آموزش و پرورش، توجه به آگاهی و خردورزی متربی در فرآیند تربیت اخلاقی بسیار مهم است و شناخت و تحلیل و ارزیابی مسئله‌های اخلاقی، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مربیان و متریبان است. تهذیب نفس و صفات عالیّه اخلاقی نیز هدفی است که هم در دیدگاه اسناد بالادستی به آن تأکید شده

است و هم در آراء ملا احمد نراقی به وضوح استنباط می‌گردد. با این حال، تزکیه نفس و تهذیب اخلاقی در نزد ملا احمد نراقی آنچنان مهم است که آن را مقدم بر تعلیم می‌داند؛ در حالی که آنچه در دیدگاه اسناد بالادستی به چشم می‌خورد، تأکید بر تلفیق و ترکیب مناسب و هماهنگ تعلیم و تزکیه است. موارد مهم دیگری که مبتنی بر رویکرد تلفیقی موردنظر در اسناد بالادستی در عرصه تربیت اخلاقی وجود دارد، اما در دیدگاه‌های ملا احمد نراقی کمتر به آنها اشاره شده است، عبارتند از: تأکید متوازن و سازگار بر استفاده از روش‌های مختلف تربیت اخلاقی؛ تأکید متوازن بر تبیین، استدلال، حساسیت و عمل اخلاقی؛ اصل رعایت اولویت‌ها (الأهم فالأهم) در فرآیند تربیت اخلاقی؛ تقدم پیشگیری بر درمان، یعنی تقدم مبارزه با علت نسبت به برخورد با معلول؛ تقدم پیرایش از زشتی‌های اخلاقی بر آراسته شدن نسبت به زیبایی‌ها؛ تقدم دفع بر رفع رذایل و عوامل مؤثر در آن؛ تقدم فضل بر عدل (تقدم رحمت بر غضب)؛ اصالت مصونیت بر محدودیت؛ تأکید بر کاربرد اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی (با تأکید بر مسائل واقعی زندگی مترتبان). بنابراین، باتوجه به رویکرد موردنظر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش، ضرورت دارد در فرآیند تربیت اخلاقی به مسئله استدلال‌ورزی و عمل متربی، متناسب با اولویت‌ها توجه شود و باتوجه به نگاه اعتدالی موردنظر، باید در امر تربیت اخلاقی به صورت متوازن به هریک از موارد پیش‌گفته توجه داشت. در عین حال، با در نظر داشتن ویژگی اراده و اختیار و توان خردورزی متربی، باید تأکید بر ایجاد مصونیت باشد و نه ایجاد محدودیت.

۶. نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی به عنوان یک وظیفه مشترک و همگانی در جامعه از سوی گروه و نهادهای مختلف، مورد پیگیری قرار می‌گیرد. عمومی بودن این وظیفه و در عین حال در اولویت قرار داشتن این حوزه محتوایی در اکثر نظام‌های آموزشی، نشان از اهمیت بالای این بُعد از یادگیری دارد. تربیت اخلاقی، اصطلاح عامی است که در ذیل آن می‌توان رویکردها^۱، تعاریف^۲، اصول^۳، اهداف^۴ و روش‌های^۵ مختلفی را متصور شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی امری مهم و گسترده است و باید در تمامی عرصه‌های زندگی نمود و بروز پیدا کند. هرچند جهت‌گیری کلی مشخص و ثابتی درباره ماهیت و

1. Approaches
2. Definitions
3. Principles
4. Objectives
5. Methods

چگونگی مواجهه در باب تربیت اخلاقی در میان صاحب نظران وجود ندارد؛ چراکه از نظر صاحب نظران، رویکردهای مختلفی در خصوص تربیت اخلاقی وجود دارد. مانند رویکرد ارزش‌ها، رویکرد بینش‌ها و رویکرد تربیت منش و یا رویکرد غیرمستقیم با رویکرد تلویحی و ضمنی؛ رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها؛ رویکرد اخلاق مراقبتی یا رویکرد مسئولیت اجتماعی؛ رویکرد پیامدگرا که به اثر و علت رفتارهای اخلاقی توجه دارد و نه به اصول و قواعد اخلاقی؛ رویکرد الهیاتی که رفتارهای اخلاقی را امری فرا انسانی می‌داند؛ رویکرد علمی که این رویکرد به آثار بیرونی و عینی رفتارهای اخلاقی توجه کرده و آن را ملاک داوری می‌داند؛ رویکرد تبیین ارزش‌ها و رویکرد تحلیل ارزش‌ها و... البته طبق یافته‌های این تحقیق، رویکرد ملا احمد نراقی را می‌توان جزو رویکرد تربیت منش و نوعی رویکرد مستقیم در باب تربیت اخلاقی دانست؛ در حالی که رویکرد تربیت اخلاقی موردنظر در اسناد بالادستی را می‌توان تلفیقی از چند رویکرد تبیین ارزش‌ها، رویکرد تحلیل ارزش‌ها، رویکرد غیرمستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی و رویکرد تربیت منش دانست. با وجود اختلاف دیدگاه‌ها در بین رویکردهای مختلف موردنظر، در کشور ما همواره دغدغه و اهتمام جدی به این ساحت از ساحت‌های اساسی تربیت در جامعه در بین نهادهای رسمی و غیررسمی و در عرصه تربیت رسمی و غیررسمی وجود داشته است. همچنین، همواره تأکید بر اهمیت تربیت اخلاقی و تأثیر آن بر همه جنبه‌های زندگی انسان وجود دارد؛ چراکه این ساحت می‌تواند مقدمه خوبی را برای دین‌مداری افراد فراهم آورد و موجبات دستیابی آنها را به رشد و کمال و حیات طیبه مهیا سازد.

— منابع —

- انگیز، روح‌اله (۱۴۰۲). اهمیت تربیت اخلاقی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. در: بندرعباس: اولین همایش ملی رویکردهای پژوهشی تحول‌آفرین در آموزش و پرورش.
- بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی‌نقی؛ ابوجعفری، مهدی (۱۳۹۱). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. تهران: سمت، ج ۴.
- داوودی، محمد (۱۳۸۵). رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی. *پژوهش‌های اخلاقی*، ۲(۲)، ص ۱۵۳-۱۷۵.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ احمدآبادی ارانی، نجمه؛ جلالوند، طاهره؛ محمدی، آزاد (۱۳۹۷). تبیین محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی از منظر تحلیل مقایسه‌ای آرای کانت و ملا احمد نراقی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۵(۵۶)، ص ۳۰-۴۸.
- سجادی، سید مهدی (بی‌تا). رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی: بازنگری و نوع‌شناسی. *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، شماره ۳.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.
- شیرانی قلعه تکی، نجمه (۱۴۰۳). *مبانی تربیت اخلاقی و اعتقادی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. در: بندرعباس: سومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه.
- طالبی، بهنام؛ سید نظری، نیر؛ سودی، حورا (۱۳۹۶). ارائه مدل ادراکی سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران. *رهیافت*، ۲۷(۶۵)، ص ۱۱۳-۱۳۰.
- علوی اصیل، فاطمه؛ حکم‌آبادی، راضیه؛ امیری، دنیا (۱۴۰۳). بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. در: تهران: سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش.
- کریم‌نژادالامی، زهرا (۱۳۹۸). نقش تربیتی محبت از نگاه ملاحمد نراقی و هانریش پستالوزی. *پژوهش و مطالعات اسلامی*، ۱(۱)، ص ۳۶-۴۶.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. *تربیت اسلامی*، شماره ۶، ص ۹۳-۱۲۲.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.
- مفرد، مهدی (۱۳۹۴). فلسفه تطبیقی چیست؟ *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، ۱۶(۶۴)، ص ۲۵-۴۲.
- نراقی، احمد (۱۳۸۸). *معراج السعاده*. تهران: انتشارات زهیر.
- نصرتی هشی، کمال و همکاران (۱۳۹۳). درآمدی بر اصول تربیت اخلاقی از منظر ملا احمد نراقی. *مطالعات اخلاق کاربردی*، ۴(۱۳)، ص ۶۷-۹۰.
- Asif, T., Guangming, O., Haider, M.A., Colomer, J., Kayani, S. & Amin, N.U. (2020). Moral education for sustainable development: Comparison of university teachers' perceptions in China and Pakistan. *Sustainability*, 12(7), p. 3014
- Elias, J. L. (1995). *Philosophy of education: Classical and contemporary*. Malabar, FL: Krieger Publishing Company.